



جبهه ملی

امید ملت

ارگان اتحاد نیروهای ملی ایران

شماره ۸۰، سال هفتم - تیر ماه ۱۳۹۰ برابر با ماه ژوئیه ۲۰۱۱

نشریه برونمرزی

سرمقاله

هوشنگ کردستانی

خیزش ملت ایران در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و امروز ما

ملت قهرمان ایران اراده خود را در انقلاب مشروطیت برای سرنگونی یک نظام فاسد و رو به افول نشان داد. نظامی که نخبه کشی می کرد، دست گدایش به سوی غرب دراز بود، انگیزه دفاع از مرزها را نداشت و کشور را به ورشکستگی و تجزیه گشاند. ناتوانی و بی خردی نظام استبدادی حاکم باعث شد که در جنگ اول جهانی اول با وجود بیطرفی، چهل درصد جمعیت کشور تلف شوند.

در انقلاب مشروطیت، ملت ایران برای رهایی از فساد و بی فرهنگی حاکم، به ارزش های کهن خود بازگشت کرد و نیز نشان داد که می خواهد جزو ملت های پیشرو جهان و سرنوشت اش را خود در دست گیرد. ملت در خیزش خود پیروز و نظام وادار به تسلیم در برابر خواسته ملت شد. می رفت که نظام اداری کشور همیای کشورهای پیشرو جهان تبدیل به جمهوری شود که روحانیت محافظه کار از تغییر نظام اداری به جمهوری جلوگیری کرد چون کنار آمدن برای حفظ منافع شخصی و صنفی با یک نظام تک صدایی آسانتر از نظامی است که متکی به رأی مردم باشد.

مردم دوباره مجبور به تحمل استبداد و نظام تک صدایی شدند. جامعه روشنفکران و فرهیختگان زیر فشار و خفقان و زندان قرار گرفتند و به حاشیه رانده شدند. رژیم دیکتاتوری بقیه در ص ۵

کشمکش های درون نظام جمهوری اسلامی نشانه شتاب در فرو ریختن آنست

اختلاف میان جناح استبدادی خامنه ای و شبکه مشکوک احمدی نژاد- مشائی که همواره دامنه اش گسترش می یابد، برخی از آزادیخواهان را به این تصور انداخته است که گویا ریشه نفاق در آنست که احمدی نژاد می خواهد **ایرانیت** را بر **اسلامیت** برتری داده یا دست کم هم تراز آن قرا ردهد. واقعیت اما این است که نفاق میان این دو گروه مربوط به مسائلی مهم تر از این هاست. تلاش شبکه احمدی نژاد در آن است که می خواهد قدرت را به سود خود از دست بخش حاکمان قشری مذهبی بدر آورد.

آزادیخواهان ملی گرا نباید دچار این توهم شوند که گویا این شبکه دارای تفکر ملی است و به ایران و گذشته و آینده آن می اندیشد.

این شبکه بی تردید در سرکوب آزادیخواهان، حفظ قدرت، تداوم استبداد و چپاول سرمایه های ملی تضادی با مافیای وابسته به خامنه ای ندارد. مسئله بر سر رقابت و صعود به رأس هرم قدرت و چپاول انحصاری سرمایه های ملی می باشد.

برای آگاهی هموطنانی که ممکن است تصور کنند، نفاق و دودستگی میان این دو مافیای قدرت درون حاکمیت جمهوری اسلامی، که به دلیل یکی به اسلام و دیگری به ایران است، یاد آور باید شد که یک ایرانی اصیل، هرگز نمی گوید تاریخ کشور ما با یورش نازیان به ایران و سقوط امپراتوری ساسانیان آغاز می شود! مطلبی که که احمدی نژاد در دور نخست منصوب شدنش به ریاست جمهوری اسلامی بیان کرد و ماهیت واقعی خود را نشان داد.

یک ایرانی- ولو آنکه زمامداری آن به ناحق باشد- هیچگاه تظاهرات آزادیخواهانه و مسالمت آمیز هموطنان خود را به خاک و خون نمی کشد.

ممکن است بگویند که احمدی نژاد مأمور بود و معزول،

بقیه در ص ۲

در این شماره می خوانید:

- کشمکش های درون نظام جمهوری اسلامی ... هوشنگ کردستانی
- خیزش ملت ایران در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ دفتر مردماری جبهه ملی ایران
- در ضرورت همگرایی گام به گام ... م. توکلی
- خبرهای داخلی و ورزشی
- نه خون نه آب نه آتش سروده ای از زنده یاد فریدون مشیری
- سروده ای از ابن یمین

جبهه ملی نگاهبان برابری همه اقوام، ادیان و مذاهب ایران است

گشنگی های درون نظام ...

بقیه از ص ۱
مانند استدلال نادرستی که در مورد بسیاری از زمامداران گذشته می شود.

یک ایرانی اصیل - همانگونه که داریوش بزرگ از پروردگار خواست - باید از دروغ پرهیز کند نه آنکه آسمان و ریسمان را بهم بیافد و دروغ را رواج دهد. از این رو، باید توجه داشت که اختلاف باند احمدی نژاد - مشائی با جناح خامنه ای بر سر حذف یکدیگر و حفظ قدرت مطلق و سوء استفاده های سیاسی و اقتصادی ناشی از قدرت است.

بنابراین، نباید در دام بازی ها و ترفندهای ناشی از مبارزه کسب قدرت میان جناح های حاکمیت افتاد و اشتباهات گذشته را تکرار کرد.

برخی از شخصیت ها و سازمان های سیاسی برون از حاکمیت زمانی امید به **سردار** باصطلاح **سازندگی** بسته بودند که نادرست در آمد. با گذشت زمان معلوم شد که آن ها برای منافع شخصی به پا خاسته بودند. سپس شعار «در انتخابات شرکت می کنیم تا تمرین دموکراسی کرده باشیم» را مطرح نمودند. بدون توجه به این اصل که در یک نظام استبدادی که نامزدهای انتخابات آن باید از **صافی شورای نگهبان** بگذرند و سرسپردگی خود را به قانون اساسی جمهوری اسلامی و نظام ولایت فقیه ثابت کرده باشند، تمرین دموکراسی نمی شود کرد. اکنون نیز مبارزان باید هوشمندانه، نیرنگ ها و ترفندهای رژیم را دریابند و تنها در پدید آوردن نیروی جایگزین واقعی «ملت ساخته» تلاش نمایند.

وظیفه ملی و میهنی در این است که با برخورداری از نیروی پرتوان مردمی که در نظام ولایت فقیه جانشان به لب رسیده است به عمر استبداد مذهبی پایان داده و از تکرار استبداد به هر شکل و زیر هر نام در آینده ایران جلوگیری بعمل آورد.

با توجه به اینکه گردانندگان نظام، چه روحانی نما و چه مکلا و «کاپشن پوش»، سعی در عقب نگاه داشتن مردم داشته و دارند، باید به مردم آگاهی داد و آنان را نسبت به واقعیت های امروز جهان آشنا کرد و تأثیر عوام فریبی، جن گیری، سر چاه جمکران کشاندن ها و دیگر رفتارهای عوام فریبانه را بی اثر ساخت.

باید توده مردم آگاه گردند و از خود بپرسند چگونه است که خداوند یک عده آدم دیوسیرت و چپاول گر را به نمایندگی از سوی خود برای حکومت کردن بر آن ها برگزیده است؟ یا آنگاه که جانبان ضد بشری که خود را جانشین پیامبر می نامند و جوانان برومند و آینده سازان ایران زمین را به خاک و خون می کشند چگونه پیدا شده و از کجا این طایفه ددمنش جانشین پیامبر شده اند؟

اکنون که عده ای عوام فریب دیگری پیدا شده اند و خود را نماینده امام غایب می نامند و ادعا می کنند که توسط تلفن همراه با او در تماس و ارتباط هستند، مردم باید فکر کنند، چگونه «امام غایب» این عوام فریبان را شناسایی و به نمایندگی خود تعیین کرده و انسان های باشرف و پاکدامن را از نظر انداخته است؟

رهایی از استبداد، جبران عقب ماندگی های تاریخی و همگام شدن با کاروان پرشتاب تمدن که هر روز با سرعت به پیش می تازد و دست آوردهای تازه ای به مردم جهان عرضه می دارد، در امید بستن و دنباله روی از سرداران

باصطلاح سازندگی و مدعیان اصلاح نظام از درون نیست، امید بستن به شبکه ای که برای پیروزی در مبارزه کسب قدرت به دروغ می خواهد ایرانیت را بر اسلامیت برتری داده و یا هم تراز آن بگذارد نیست. باید به روشنی نشان داده شود که تحقق **استقلال، آزادی و حاکمیت مردم** از حداقل خواست های ملت ماست و از آن به هیچ وجه کوتاه نخواهد آمد.

استقلال و آزادی دو روی یک سکه هستند. مردمی که آزادی ندارند نمی توانند از استقلال کشورشان دفاع کنند و مردم فاقد استقلال از داشتن آزادی بی نصیب هستند.

در شرایط کنونی ایران، آزادی در حداقل های آن هم وجود ندارد. استقلال آن نیز در گرو زد و بندهای سیاسی پشت پرده است. در چنین جامعه ای نه عدالت به وجود می آید و نه پیشرفت.

این ادعای نادرست که برخی از مخالفان نظام هم ندانسته آنرا بیان می کنند که نظام کنونی مستقل عمل می کند، پس استقلال وجود دارد، اگر به مفهوم درست ناوابستگی توجه شود سخن درستی نیست. استقلال تنها در شعار دادن های توخالی، اتخاذ سیاست های نابخردانه و دشمن تراشی های بی جهت خلاصه نمی شود. کشوری که در همه زمینه ها، از فرآورده های صنعتی گرفته تا تولیدات کشاورزی نیازمند بیگانگان است، کشور مستقلی نیست. کشوری که همچون یک فروشگاه بزرگ ساخته های «بنجل» و واژه خارجی شده است، مستقل نیست. کشوری که اقتصادش تک محصولی و وابسته به نفت است نه تنها مستقل نیست، بلکه تاراج دهنده منابع ملی است.

اگر روزی قدرت های بزرگ دامنه تحریم ها را تا حد جلوگیری از فروش نفت گسترش دهند، برخلاف دوران زمامداری مصدق که اقتصاد بدون نفت پدید آمد و کشور را به سامان می رساند، شیرازه امور کشور از هم فرو خواهد پاشید.

تاریخ نشان داده است که جناح های حاکمیت جمهوری اسلامی در هر زمینه ای هم که اختلاف داشته باشند در سرکوب آزادی خواهان با یکدیگر هم رأی و همراه هستند.

افزون بر آن که قتل های زنجیره ای و یورش به خوابگاه دانشجویان که اتفاق افتاد و روی آن سرپوش نهاده شد، کشتارهای وحشیانه و ددمنشانه پس از انتخابات در دوره دهم ریاست جمهوری اسلامی، گویای آنست که سردمداران رژیم با هر حرکت آزادیخواهانه همانند حرکت های مخالف نظام در کلیت برخورد می کنند. این خصلت و طینت همه قدرت های تمامیت خواه و استبدادی است.

کاربدستان همه گروه ها و جناح های نظام به خوبی آگاهند که پس از پایان یافتن عمر رژیم ولایت فقیه و جمهوری اسلامی، در نظام مردم سالار آینده نه تنها جایی ندارند بلکه می بایست در یک دادگاه صالحه که آزادانه و بر مبنای حقوق بشر تشکیل می شود، پاسخگوی جنایت های چند دهه خود باشند. اگر گفته نشود که سرنوشت صدام حسین در انتظار آنان است، به یقین سرنوشت حسنی مبارک را باید انتظار داشته باشند. این آرزوی دوری نیست. فرو ریختن پایه های نهادهای گوناگون استبداد، این نوید و امیدواری را به ملت ایران داده است. *

در ضرورت همگرایی، گام به گام تا شکل گیری یک نیروی جایگزین

(بخش نخست)

دلایل وجود گسست بین ایرانیان داخل و خارج از کشور

در وجود یک گسست عمیق بین صاحب نظران، اندیشمندان و کنشگران سیاسی ایرانی که اکثراً به اجبار ترک وطن کرده اند، با مردم شجاعی که با وجود تمام تهدیدها، تحقیرها و محدودیت ها در صف اول مبارزه با رژیم اسلامی، حتی با قیمت جان استوار ایستاده اند؛ در نوشتارهای مختلف اشاره هایی دیده ام. در این مقاله هدف آنست که در خصوص برخی از دلایل بروز این شکاف و اهمیت راهبردی گریز از آن برای به مقصد رساندن جنبش ملی دموکراسی خواهی ایرانیان چند خطی نوشته شود.

۱ - در تشریح دلایل شکل گیری این گسست، ناگزیر باید به سال های ابتدای انقلاب برگردیم، همان زمانی که عده ای از فعالان سیاسی جانشان را در دست گرفته و راه خروج از مرزها را در پیش گرفتند. داستان کوچ اجباری ما تا امروز پس از گذشت بیش از ۳۲ سال، با نوسان اما بدون وقفه ادامه داشته و در شرایطی که هرگونه حق گویی راهی به جایی جز پشت میله های زندان و سکوت اجباری نمی برد، خروج از کشور برای بیان دیدگاه ها تنها راه ممکن می نماید. هرچند رسیدن به عدد واقعی شاید تقریباً غیر ممکن باشد، اما روایت های غیر رسمی از حضور بین ۴ تا ۵ میلیون ایرانی در خارج از مرزهای ایران حکایت دارد. ایرانیانی که بسیاری از آن ها همچنان به بازگشت به میهن چشم امید دوخته اند و وقایع پس از انتخابات مخدوش سال ۲۰۰۹ نشان داد تا چه اندازه پیگیر وضعیت و شرایط روز جامعه شان هستند.

نکته اما اینجاست که بنا بر تجربه شخصی چندین خروج و رجعت دوباره به ایران در سالیان گذشته، دریافته ام تصور و شناخت ما از جامعه و نیازها و ضرورت هایش در همان مقطع زمانی خروج، همچون عکسی در ذهن مان ثابت می ماند و دیگر با شتاب تحولات و تغییرات بویژه اجتماعی زندگی روزمره ساکنان آن مرز و بوم همراه نمی شویم. جامعه جوانی که در آن همچنان زندگی جریان دارد، ارزش هایش مدام در حال تغییر است، روابط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... دستخوش تلاطم است، در زبانش پیوسته مفاهیم و اصطلاحات جدیدی کشف و استفاده می کند و ... ما اما در گذر زمان برای تصویر ثابت ذهنمان دل می سوزانیم، برایش دلتنگی می کنیم و با شنیدن اخبارش برای خروجش از این وضعیت چاره اندیشی می کنیم.

جلسات برگزار می کنیم، کتاب می نویسیم، تمام تلاشمان را می کنیم تا به هموطنان و وطن به اسارت در آمده مان کمی کنیم، بی آنکه غالباً بدانیم امروز نیازهای اولیه اکثریت مردم مان کدامها هستند؟ و اصلاً نسل اول و پیشرو، نسل فعال و جوان، نسل شجاع و تحول خواه امروز که پرچمدار مبارزه است، با چه زبانی ارتباط برقرار می کند؟

یکی از بانیان اصلی این سوء تفاهم، نبود پل های ارتباطی مناسب با ایرانیان داخل کشور است. در حالی که برای اکثریت قریب به اتفاق منتقدان سیاسی رژیم اسلامی امکان ورود به کشور وجود ندارد، طبیعی است به دلیل عدم مقاربت و مشاهده زندگی و فرهنگ روزمره و عادی مردم، فقدان درک درستی از واقعیت های جامعه مان پدید آید. چرا که مرجع اصلی ما برای شناخت جریان ها و وقایع کشورمان، رسانه های اطلاع رسانی همانند سایت های تحلیلی و خبری و بعضاً نشریات هستند که طبیعتاً به دلیل ماهیت شان بطور یکطرفه اخبار بد را به اطلاع ما می رسانند. ما تنها می شنویم جوانان برای حجاب شدیداً تحت فشار هستند، حق داشتن ماهواره را ندارند، حق فعالیت های سیاسی را ندارند، برای ادامه تحصیل روش های گزینشی دوباره به کار گرفته می شود و ... اینگونه ما تنها از بخشی از واقعیت باخبر می شویم، چون مثلاً در اخبار نمی خوانیم که چه چیزهایی آنها را شاد می کند، اوقات فراغتشان چگونه پر می شود؟ نسبت به دوستان و همکاران خود چگونه رفتار می کنند؟ ارزش هایشان چه هستند؟ و ... به طور طبیعی بعد از مدتی کوتاه با واقعیت های جامعه مان بیگانه می شویم.

اینجاست که مقالاتمان گویی به زبان دیگری نوشته می شوند. اینجاست که راهکارهایمان گره ای از مشکلات ایران باز نمی کند، چون برای جامعه امروز نوشته نشده است. اینجاست که گاهی بزرگان و اندیشمندان مان سخنانی به زبان می آورند که تعجب برانگیز است. برای مثال، نکته ای در ماه های اخیر توجه نگارنده را به خود جلب کرده است. عزیزانی که همه عمر از آن ها آموخته ام، گاه با دیدی مطلق نگرانه بیان می کنند: *جامعه امروز ایران در مورد مذهب به یک باور عمومی رسیده است مبنی بر جدایی دین از سیاست و چهره واقعی مذهب برهمگان عیان شده است و حکومت دینی در ایران جایی ندارد و ...* به شخصه حداقل در دو سال اخیر هیچ نشانه ای ندیده ام از وجود چنین نگاهی به مذهب. کاملاً آشکار است که یکی از نکات کلیدی اجماع گروه های سیاسی فعال خارج از کشور «سکولاریزم» است، اما در داخل گمان نگارنده بر آن نیست، که به طور جدی این مسئله در بین مردم کوچه و خیابان مطرح باشد. فراموش نکنیم حکومت زر و زور و تزویر اسلامی به هر شخص فعال (چه سیاسی، چه اقتصادی، چه فرهنگی و اجتماعی) قبولانده تا برای ادامه راهش باید حداقل در ظاهر اسلامی

درگذشت بانو مینا اردلان دختر شادروان علی اردلان را به بانو مه لقا اردلان عضو شورای مرکزی جبهه ملی و فرزندان آن روانشاد صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

درگذشت روانشاد منوچهر کاوه زاده فعال سیاسی ایران دوستی را که در غربت چشم از جهان فرو بست، به خانواده و هم‌زمان او صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

درگذشت مهندس جلیل غفاری، از بیروان دیربای اندیشه‌های مصدق را که در ونکوور کانادا اتفاق افتاد به همسر گرامی، فرزندان و همفکران آن شادروان صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

باید بکنیم. جدال‌های زبانی یا کتبی فعالان سیاسی خارج از کشور با هم، با اینکه امری بسیار طبیعی است و بعضاً می‌تواند مفید هم باشد، اما باعث می‌شود در داخل صدای واحد یا حداقل چند صدای قابل تفکیک به گوش نرسد و همه‌ای است که فقط نکات منفی مان را پررنگ می‌کند. جمهوری اسلامی بهتر از هرکس دیگری از خطر وجود آترناتیو در خارج از کشور برای ادامه حیات خود آگاه است و پذیرفتنی است که خود در شکل نگرفتن آن تا به امروز نقش داشته است. اما آیا ما نیز تمایلی برای به گوش رساندن یک صدای واحد داشته ایم، از تلاش‌های چند گروه معدود که بگذریم، رفتارهایمان آیا در جهت وحدت بوده است؟ اگر دقت کنیم، مهندس موسوی و آقای کروبی در داخل با تمام اختلاف‌هایی که با هم داشتند، سعی کردند یک صدای واحد به گوش مردم برسانند، حرکت را هم مرزبندی و هدف‌بندی کردند، مردم هم تا پای جان ایستادگی کردند. اما بعد از حصر آن‌ها آیا هنوز توانسته ایم حداقل در کلیات به یک توافق کلی برسیم؟ متأسفانه تا کنون که این اتفاق نیفتاده است و به باور نگارنده تا روزی که نتوانیم خود را در قالب یک حرکت مشخص، هدفمند و چهارچوب دار به مردم و جامعه جهانی بشناسانیم، حتی در صورت فروپاشی نظام اسلامی از درون نیز نخواهیم توانست افسار سرنوشت خاکمان را در دست بگیریم. بزرگی گفته است: کسی که نمی‌داند چه چیزی می‌خواهد، ناچار به پذیرفتن آنچه است که دیگران برایش مقدر می‌کنند.

دلایل دیگری با درجه اهمیت کمتر را نیز می‌توان برشمرد که از حوصله این مقال خارج است. اما اگر این نوشته را مفید یافتید و نیاز داشتید در مورد آن تعمق یا تحقیق بیشتری کنید، تنها کافیست واژه «خارج‌نشینان» را بقیه در ص ۵

در ضرورت همگرایی، گام به گام ... بقیه از ص ۳
باشی و متأسفانه ۳۲ سال زمان کمی نیست برای اثرگذاری بر یک نسل جوان، هوشمند و تشنه آموختن. شاید تداوم و حتی گسترش خیلی از رفتارهای خاص مثل نوشتن عبارت‌های مذهبی روی ماشین‌ها برای پرهیز از اذیت شدن توسط نیروهای پلیس و گشت‌های ارشاد، کمک‌های مالی سالانه و منظم به مراسم عزاداری مذهبی، استفاده از وسایلی مثل تسبیح و انگشترهای عقیق در زندگی روزمره که نشان‌دهنده مذهبی بودن صاحب آن باشد، را نتوانیم دلیلی بر حضور واقعی مذهب در قلب‌های جوانان بدانیم، اما در دیگر سو مطمئناً هیچ نشانه‌ای هم مبنی بر طرد مذهب و حکومت مذهبی در بین ایرانیان به شمار نمی‌رود.

۲ - دومین دلیل وجودی شکاف ذکر شده را می‌توان در نبود استراتژی و تاکتیک‌های مشخص در بین اکثر فعالان سیاسی خارج از کشور جستجو کرد.

بعد از حوادث خرداد ۲۰۰۹، پس از سال‌ها رکود، امید تازه‌ای در بین ایرانیان ایجاد شد برای فائق آمدن بر معضل جمهوری اسلامی و حتی بسیاری قفل سکوت را شکستند و به خیل عظیم کنشگران ضد رژیم اسلامی پیوستند. اکنون اما در دومین سالگرد آن حوادث می‌بینیم بسیاری از ایشان تنها به بروز اختلافات داخلی، مثلاً بین تیم خامنه‌ای و تیم احمدی نژاد چشم امید دارند و ماه هاست تنها به پیش‌بینی فروپاشی نظام از درون می‌پردازند. نکته اینجاست که حتی با فرض به واقعیت پیوستن پیش‌بینی‌هایشان، برای فرادای پس از فروپاشی جمهوری اسلامی نیز اکثر برنامه‌های ندارند. فعالان پیشرو در داخل با حساسیت همه‌مان را رصد می‌کنند و تا زمانی که به یک جمع بندی راهبردی نرسیم، نمی‌توانند روی ما حسابی باز کنند، کسی که جانش را در دست می‌گیرد، روی نظرات گروهی که حتی در مقیاس کوچک هم نمی‌تواند برنامه مشخصی داشته باشد، نمی‌تواند خطر کند. جمله مشهوری می‌گوید: برای کشتی‌ای که دارای مقصد مشخصی نیست، باد موافق معنایی ندارد.

۳ - سومین دلیل این گسست را باید تا حدودی از دریچه فرهنگی و رفتاری نگریم. نوعی رفتار شایع برای تغییر دادن بقیه در اکثر ما کم و بیش وجود دارد. ایده‌های جذاب و بزرگ داریم که برای عملی شدن شان باید نفرت‌زادی خودشان را اصلاح کنند. کوچکترین حرکات دیگر فعالان سیاسی را زیر نظر داریم، از گفته‌هایشان نکات منفی‌اش را بر می‌داریم و در نهایت یا او را محکوم یا در حالت بسیار مؤدبانه و متمدنانه او را با زبان پند و اندرز راهنمایی می‌کنیم، بی‌آنکه ذره‌ای بیندیشیم برای اصلاح خود چه

حاکمیت مستقل بر پایه یک حکومت مردم سالار که توأم با عدالت و پیشرفت باشد، هدف جبهه ملی است

جملات قصار

عضو شورای مرکزی جمعیت رهبویان انقلاب اسلامی: «فتنه های بزرگتری در راه است»، «مشائی از ابتدا قصد داشت احمدی نژاد را ساقط کند»

آخوند شجونی، دبیر جامعه وعاظ: «مشائی ملیجک احمدی نژاد است»

وزیر علوم اسلامی: «در دانشگاه اسلامی، تابلوی اعلام نمرات دختران و پسران جدا است»

وزیر ارشاد اسلامی: «عفاف و حجاب در فیلمها رعایت نمی شود»

دکتر مهندس در رشته راه پندان: «به هر خانواده ۱۰۰۰ متر زمین رایگان می دهیم که ویلا و باغ احداث کنند»

یک سردار سپاه: «برای مبارزه با ماهواره باید شرایط جنگی اعلام کنیم»

یک سردار سپاه: «با یک حرکت ایران، کابینه آمریکا تغییر می کند»

نماینده مجلس اسلامی: «حضور دختران در دانشگاه ها نوعی تهدید است»

صادق «نا» زیبا کلام، استاد بدبخت دانشگاه: «به صورت تیغ انداخته من نگاه نکنید، من یک موی محمدبن عبدالله را به صد تا کوروش، داریوش، خشایارشا، تخت جمشید و ایران و گذشته آن نمی دهم»

«اگر از دانشجویان من سؤال کنید که «نا» زیبا کلام در عید نوروز به شما تبریک سال نو می گوید، حتی یک دانشجوی من پاسخ آری نمی دهد. زیر از نظر من عید فقط عید قدیر و عید قربان است»

جانی مرتضوی: «بر پایه رأی دادگاه، هیچ گونه دخالتی در حادثه کهریزک نداشته و از همه اتهامات تبرئه شده ام»

آخوند محمد یزدی: «ولی فقیه از طرف امام زمان معین شده و اما گفته است به حرف او گوش دهید»

آخوند احمد خاتمی: «زن ها حق ندارند فیلم مسابقه های گشتی و شنا را ببینند»

دکتر مهندس در راه پندان: «در پنج سال اخیر پنج برابر دوره های مشابه کار شده است»

وزیر راه و شهرسازی: «آشپزخانه های ما مطابق فرهنگ مذهبی ما نیست»

ملا حسینی: «احمدی نژاد داش مشتکی است، قهر نمی کند»

در ضرورت همگرایی، گام به گام ...

بقیه از ص ۴
در موتورهای جستجو بجوئید و مفهوم و معنی و موارد استفاده آنرا در نوشته ها بیابید تا متوجه شوید نسل امروز همه فعالان سیاسی خارج از کشور را از هر گروه و اندیشه ای که باشند، در یک سید می نهد. البته جای امیدواری است که با اینکه تاکنون صدای دلنشینی از آن به گوشش نرسیده، اما امیدوار است همچنان به روزی که نیاز نداشته باشد جهت گیری ها یا راهنمایی های سیاسی اش را از مجریان سابق تلویزیون یا طنز نویسان و کاریکاتوریست ها و ... بگیرد. او امیدوار است همچنان به روزی که من و شما به زبان او برایش سخن بگوئیم، یکصدا، هدفمند و استوار*

خیزش ملت ایران در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ ...
بقیه از ص ۱
همه کارها، حتی کارهای خوب، را با زورگویی انجام می داد، چنانکه نابخردانه بخشهایی از خاک کشور را بر باد داد. در اوج جنگ جهانی دوم که در آن بیطرف بودیم، ناگهان وجدان ملی استبداد حاکم که متهم به وابستگی به یک ابرقدرت بود، بیدار شده هوس استقلال کرد و در اثبات آن با بیخردی، خود را با بزرگترین دشمن بشریت زمان همسو نمود. این همسویی متفقین جنگ را وادار به حمله به ایران کرد. جنگ دوم جهانی هر خسارت و تلفاتی که برای مردم ما داشت، دست کم آن رژیم خودکامه را از ایران برانداخت.

ملت آزاد شده بود. روشنفکران و فرهیختگان کشور دست بکار ساماندهی یک نظام مردم سالار شدند. انتخابات رنگ آزادی به خود گرفت و سیاستمداری محبوب مردم برگزیده شد. برای نخستین بار دولتی شکل گرفت که رای مردم را داشت و خواسته مردم بود. گستردگی سراسری پشتیبانی از آن دولت برگزیده در تاریخ کشور سابقه نداشت. کشور ما وارد مرحله نوینی شده بود. شاه طبق قانون مشروطه وظایفی فقط تشریفاتی داشت، ولی وزارت جنگ را حفظ کرده بود. دولت ملی می دانست که کنترل نیروهای مسلح در یک نماد تشریفاتی می تواند برای بازگشت دیکتاتوری وسوسه انگیز باشد. با زور می توان انتخابات را به سویی دگر کشید و اعتراض مردم را با خشونت خاموش کرد. خودداری از واگذاری مسئولیت دفاعی به دولت، خیزش ملت ایران را در ۳۰ تیر ۱۳۳۱، بوجود آورد. خیزش علیه قدرت نظامی در دست یک تن که پاسخگو به ملت نباشد.

دکتر محمد مصدق، مردی که برای نخستین بار در تاریخ، ملت ما را با نظام دموکراتیک آشنا ساخت، قربانی این قدرت طلبی شد و کناره گرفت تا مردم تصمیم بگیرند. او می خواست این باور خود را بیازماید که ملت ایران دیگر زیر بار خودکامگی و تمرکز قدرت در دست یک تن ناپاسخگو نمی رود. با خیزش انقلابگونه مردم در پشتیبانی از دولت ملی خود، بار دیگر اراده ملت برای حفظ نظام مردم سالار بدست آمده حاکم شد. هرچند که قدرتهای بیگانه برای حفظ منافع خود به دخالت پرداختند، روحانیان محافظه کار هم همکاری نمودند و بار دیگر استبداد بر مردم ایران تحمیل شد. یک دولت متکی بر رأی مردم به سود منافع هیچکدام از قدرت های بیگانه نیست.

اکنون، بیش از یک سده از خیزش مردمی مشروطیت، شش دهه از خیزش مردمی ۳۰ تیر و سه دهه از خیزش مردمی ۵۷ می گذرد. هر بار نظام های استبدادی با اراده ملت ایران نابود شده اند، ولی ما هنوز در جستجوی آزادی و حاکمیت ملی هستیم. چه عاملی در درون جامعه ما وجود دارد که به حقوق فردی و اجتماعی مردم باور ندارد، به خواست ملت برای استقرار حاکمیت ملی بی اعتناست، مردم را فاقد صلاحیت رای دادن و مشارکت در سرنوشت خود می داند و برای حفظ تک صدایی و استبداد، فساد سیاسی و اقتصادی و عقب ماندگی و تحقیر ملی را در این سرزمین اهورایی تحمل می کند؟

ما به حاکمیت به قدرت نشسته هشدار می دهیم که این

خبرهای داخلی

نامه خانواده ده زندانی سیاسی به گزارشگر حقوق بشر:

جان زندانیان در خطر است

در این نامه آمده است: شما در شرایطی به این سمت برگزیده شده اید که ما ایرانیان پس از دو سال تحمل سرکوب برنامه ریزی شده و کم سابقه، اکنون در معرض انواع جدیدی از سرکوب قرار گرفته ایم. سرکوب هایی که اینک تنها در صورت توجه فوری افکار عمومی و اقدام عاجل نهادهای صلاحیت دار بین المللی ممکن است به فجایع جدیدی نیانجامد.

همچنین آنچه ما را تنها یک هفته پس از انتخاب شما در این سمت به فرستادن این نامه واداشته، این است که اکنون جان عزیزان ما که همگی از زندانیان سرشناس سیاسی پس از انتخابات ریاست جمهوری اسلامی هستند، بیش از هر زمان دیگر به شدت در خطر می باشد.

شکنجه یک زندانی برای اعتراف گرفتن

جمشید حسینی اهل مشهد را که به اتهام محاربه محکوم به اعدام کرده اند، مدتی است تحت فشار و شکنجه برای اعتراف به جاسوسی برای آمریکا و همکاری با ۳۰ تن بازداشت شدگان اخیر قرار گرفته است. حسینی علی‌رغم فشار و شکنجه های طاقت فرسا، حاضر به پذیرش این اتهامات غیرواقعی و واهی نشده است.

تحصن دانشجویان

دانشجویان دانشگاه صنعت آب و برق، در ساختمان ریاست دانشگاه تحصن نمودند. دلیل اصلی این تحصن، تصمیم مسئولان این دانشگاه مبنی بر عدم واگذاری خوابگاه تابستانی به دانشجویان متقاضی می باشد.

اجراء حکم شلاق در اویش

حکم شلاق زدن چهارده تن از درویش سلسله نعمت الهی گنابادی ساکن بیدخت که تیر ماه سال گذشته که در جریان اعتراض آن ها به رفتار دادستان گناباد با پیروان طریقت عرفانی بازداشت شده بودند، به اجراء در آمد.

سعید کاشانی، علی میرو، حسن بلوچی بیدختی، بهروز مجاور صوفی، رضا کاخکی، رحمت حسینی، حسین عباس زاده بیدختی، حسین مهدوی، محمد علی جعفری، ابراهیم عباس زاده، علی عباس بیدختی، روح الله صفری، علی محمد امانیان و امیر روشن مجاور صوفی چهارده درویشی هستند که به اتهام «بر هم زدن امنیت عمومی» به تحمل ۲۵ ضربه شلاق محکوم شدند.

هفته گذشته نیز چهار درویش دیگر به نام های محمد جلال نیک بخت، محمد علی سعدی، حجت الله سعیدی، فرزاد درویش سروسناتی به اتهام اخلال در نظم عمومی

محاکمه شدند. قابل یادآوری است که وکیل مدافع درویش همچنان در بازداشت بسر می برد.

انتقال دو زندانی سیاسی به بیمارستان

بهزاد قربانیان که جزو دوازده معترض اعتصاب کننده است، به دلیل وخامت وضعیت جسمانی از زندان به بیمارستان منتقل شد. پیش از او نیز مهدی کریمیان اقبال از دیگر زندانیان معترض که در اعتصاب غذا بسر می برد به دلیل وخامت شرایط جسمانی به بیمارستان منتقل شده است.

شرکت تبد قزوین تعطیل شد

دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین از تعطیل شدن شرکت تبد خبر داد. این شرکت که زیرمجموعه بنیاد مستضعفان و جانبازان است دارای ۳۰۰ کارگر می باشد.

نگرانی نسبت به وضعیت جسمانی آیت الله بروجردی

آقای بروجردی زندانی آزادیخواه و مخالف ولایت فقیه در اثر وضعیت نامناسب زندان اوین و تشدید فشارهای روحی و جسمی در شرایط ناگواری بسر می برد.

عدم رسیدگی پزشکی نسبت به نارسایی قلبی ایشان که در دوران زندان به آن دچار شده، باعث بروز تورم در پاهای نامبرده گردیده و تعادل وی را در راه رفتن و ایستادن با مشکل جدی مواجه نموده است.

بازداشت به اتهام تبلیغ مسیحیت

مستطفی زنگویی بوشهری، دانشجوی دانشگاه یزد، پس از خروج از منزل توسط عوامل امنیتی نظام بازداشت شد. او متهم است که در محیط دانشگاه به نفع گروه های مسیحی فعالیت می کرده است.

محکومیت یک معلم

اسماعیل عبیدی، آموزگار ریاضی دبیرستان به ده سال زندان تعلیقی محکوم شد.

محکومیت یک استاد

حکم یک سال زندان برای سعید غفاری، یکی از استادان دانشگاه پیام نور یاسوج، به وکیل نامبرده ابراهیم مشکات ابلاغ شد. نایب‌داری سعید غفاری به نام حمید غفاری با وجود سپری کردن ۷ سال زندان، در عادل آباد شیراز، اعدام گردید.

بازداشت شهروندان بهایی مقیم مشهد

مونا رضایی و اتیسا دهقانی از شهروندان بهایی مشهد از سوی عوامل امنیتی بازداشت شدند.

فرهنگ درخشان ایرانی، دست‌آورد تلاش همه ایرانیان
و جزئی از هویت آن ها است

خبرهای ورزشی

ز نیرو بود مرد را راستی

ز سستی کثری زاید و کاستی

فردوسی

در مسابقه های دو و میدانی آسیا

تیم ملی ایران ششم شد

در نوزدهمین دوره مسابقه های دو و میدانی آسیا که در ژاپن برگزار شد، تیم ملی دو و میدانی ایران با کسب دو نشان طلا، دو نقره و دو برنز به مقام ششم رسید. سجاد مرادی در دو رشته ۸۰۰ و ۱۵۰۰ متر به نشان نقره دست یافت. در پرتاب دیسک، احسان حدادی نشان طلا را از آن خود نمود. در دو امدادی ۸۰۰ متر ایران به کسب نشان برنز نائل شد. لیلا رجبی در پرتاب وزنه به نشان برنز رسید. در ده گانه، هادی سپهرزاده، طلای دیگر تیم ایران بود. در رده بندی تیمی ژاپن اول، چین دوم، بحرین سوم، کویت چهارم، قزاقستان پنجم، ایران ششم و هندوستان هفتم شدند.

در خوش قهرمانان ایران در کشتی فرنگی جهان

در مسابقه های کشتی فرنگی جایزه بزرگ که در باکو انجام شد، تیم کشتی ایران با دو نشان طلا توسط حبیب الله اخلاقی در وزن ۸۴ کیلوگرم و بابک قربانی در ۹۶ کیلوگرم و یک برنز توسط داود اخباری در ۸۴ کیلوگرم با موفقیت به کار خود پایان داد.

جوانان ایران، قهرمان وزنه برداری جهان

تیم ملی وزنه برداری جوانان ایران با کسب ۵۷۷ امتیاز و پشت سر گذاردن دو تیم قدرتمند وزنه برداری جهان، روسیه و چین، برای نخستین بار فاتح مسابقه های جوانان جهان شد.

در روز پایانی سی و هفتمین دوره مسابقه های جهانی، وزنه برداران فوق سنگین به زور آزمایی پرداختند تا همچون رقابت های قهرمانان بزرگسال جهان، در بخش جوانان نیز عنوان قوی ترین مرد رقابت ها مشخص شود. که این عنوان نصیب بهادر مولایی از ایران شد که موق گردید با مجموع ۴۰۸ کیلوگرم قهرمان جهان شود و قهرمانی تیم ایران را مسجل نماید. در همین وزن علیرضا کاظمی نژاد به کسب نشان نقره نائل شد. در این مسابقه ها، مجید عسگری در دسته ۵۶ کیلوگرم نشان نقره گرفت. در دسته ۸۵ کیلوگرم کیانوش رستمی نشان نقره و در دسته ۹۵ کیلوگرم سید محمد پور موفق به کسب نشان طلا شدند. در رده بندی تیمی ایران اول، چین دوم و روسیه سوم شدند. آفرین بر وزنه برداران جوان ایران

خبرهای داخلی

لغو پروانه وکیل دانشجویان

یک وکیل پایه یک دادگستری به نام علیرضا صفرزاده که اهل کردستان و سنی مذهب می باشد، در شهرستان زرین شهر اصفهان از وکالت منع و پروانه وکالتش هم باطل گردید. این وکیل ۴۵ ساله مدتی پیش وکالت پرونده برخی از دانشجویان بازداشتی را قبول کرده بود، و به دفاع از آنان برخاسته بود، در جریان برگزاری جلسه های دادگاه یکی از عوامل امنیتی که به همراه دانشجویان به دادگاه می آمد، رفتاری خشن و اهانت آمیز با آنان داشت. این وکیل از آنجا که وظیفه خود می دانست تا در برابر اینگونه رفتار ایستادگی کند، پس از مدتی از مأمور امنیتی شکایت می کند.

بر اساس گزارش رسیده این شکایت از مأمور دستگاه امنیتی اصفهان، نتیجه عکس داده و باعث می شود تا علیه این وکیل پرونده ای در دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان به جریان بیفتد، تا در نهایت به چند اتهام از جمله «تبلیغ مذهب تسنن در استان»، سرانجام دادگاه اسلامی رأی به لغو پروانه وکالت نامبرده می دهد.

درگیری خونین در زندان گوهردشت

در یک درگیری خونین در زندان گوهردشت کرج، ۴ زندانی کشته و ۱۵ تن دیگر به شدت زخمی شدند که وضعیت برخی از آنان بسیار وخیم است.

محاکمه اعتراض کنندگان به خشک شدن دریاچه ارومیه

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، اقدام به محاکمه ۲۰ تن از شهروندان و فعالان مدنی که نسبت به خشک شدن دریاچه ارومیه هشدار داده بودند، کرد. اسامی محاکمه شوندگان بشرح زیر است:

محرّم جعفرپور، محمد خطیبی، بابک رضایی، هاشم پناهی، رسول بهاری، مهدی ساقری، محمد و رضا اقبالی، جعفر آکیش، صفر و توکل آفتابی، کاظم واحدی، بهنام ملک پور، یونس، مهدی و حسن قلی زاده، مختار عهد نو، وحید طربناک، الیاس شکر و وحید پوررضا.

بازداشت ۱۷ تن در یک میهمانی

۱۷ زن و مرد که اقدام به برگزاری یک میهمانی مختلط در شهرستان ساندیز واقع در استان خراسان رضوی کرده بودند، توسط مأموران انتظامی بازداشت شدند.

بازداشت شماری از بهائیان

مأموران امنیتی با هجوم به منازل شهروندان بهایی روستای «کتا» از توابع شهرستان یاسوج شماری از آنان را بازداشت نمودند.

در روستای «کتا» نزدیک به ۵۰ خانوار بهایی زندگی می کنند که با دستگیر شدن شان مزارع و زمین های کشاورزی آن ها در حال نابودی است.

زنده یاد فریدون مشیری

نه خون نه آب نه آتش

چگونه اینهمه باران
چگونه این همه آب
که آسمان و زمین را به یکدیگر پیوست
به خشک سال دل و جان ما نمی فشانند؟
چه شد؟ چگونه شد آخر که
دست رحمت ابر
که خار و خاک بیابان خشک را جان داد
لهیب تشنگی جاودانه ما را
به جرعه ای ننشانند
نه هیچ ازین همه خون
که تیغ کینه ز دل‌های گرم ریخت به خاک
امید معجزه ای
که ارغوان شکوفان مهربانی را
به دشت خاطر غمگین ما برویاند
نه هیچ از اینهمه آتش
که جاودانه درین خاکدان زبانه کشید
امید آنکه تر و خشک را بسوزاند
پیرس و باز پیرس
پیرس و باز ازین قصه دراز پیرس
پیرس و باز ازین راز جانگداز پیرس
چه شد چگونه شد آخر که بذر خوبی را
نه خون نه آب نه آتش یکی به کار نخورد
بگو کزین برهوت غربت ظلمانی
چگونه باید
راهی به روشنایی برد؟
کدام باد درین دشت تخم نفرت کاشت؟
کدام دست درین جاک زهر نفرین ریخت؟
کدام روزنه را می توان گشود و گذشت؟
کدام پنجره را می توان شکست و گریخت؟
بزرگوارا ابرا به هر بهانه مبار
که خشک سال دل و جان غم گرفته ما
به خشک سال دیار دگر نمی ماند
نه خون نه آب نه آتش
مگر زلال سرشک
گیاه مهری ازین سرزمین برویاند

ابن یمین، شاعر سده هشتم هجری

فلک دون نواز یک چشم است
آن یکی هم به فرق سر دارد
چون بخواهد نوازشی بکند
که یکی را ز خاک بردارد
هر خری را که دم گرفت به دست
می‌نداند که دم خر دارد
می‌برد تا فراز دیده خویش
چند روزیش معتبر دارد
چون ببیند که شکل مختلف است
ناگهان دست زو چو بردارد
به زمینش زند که خورد شود
خر دیگر بجاش بردارد ...

خیزش ملت ایران در ۳۰ تیر ۱۳۳۱
بقیه از ص ۵
بار طیف سنتی پشتیبان استبداد در ایران درهم خواهد
شکست و جز تن در دادن به تغییر بنیادین در ساختار
حکومتی در راستای استقرار دموکراسی، حاکمیت ملی و
رعایت حقوق بشر، هیچ راه دیگری در پیش نیست و بیش از
این نمی توان ملت بردبار ایران را زیر فشار نگه داشت.
رویدادهای چند ماه گذشته در سراسر منطقه دیکتاتورپرور
خاورمیانه و شمال افریقا نشان می دهد که دوران استبداد به
سر آمده و پرده آخر نزدیک به فروافتادن است.
دفتر مردم‌داری جبهه ملی ایران، تهران - ۲۹ تیر ۱۳۹۰

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در
نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند.
راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:

www.javanane-melli.de
info@javanane-melli.de

نشریه

جبهه ملی ایران
خارج کشور

با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر
هیأت تحریریه

هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون مهدوی و
جهانگیر لقائی هر ماه یک بار در خارج از کشور انتشار
می یابد

نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران
خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.

همبستگی و پایداری تاریخی اقوام ایرانی در لوی حاکمیت مردمی،
هدف جبهه ملی است